

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۰۸ می ۲۰۱۵

مجلس دوم (در فقر)

شیخ بزرگوار عبدالقادر گیلانی (رَضِيَ اللهُ عَنْهُ) در پنجم ماه شوال سال ۵۴۵ هجری قمری در مدرسه چنین بیان فرمودند: غفلت تواضعی تبارک و تعالی ترا از الطاف او محبوب گردانیده است. ازین غفلت برگرد پیش از آنکه خوارشوی و ضربه چیرگی آفات برتوانواخته شود و زیرسلطه مصائب قرارگیری.

هنوز طعم تلخ آفات غفلت رانچشیده ای، بناچار به آنچه در آن هستی شادمانی و به واقع همین شادمانی و بطر است که موجب دوریت از خداوند شده است. پس بدانچه در آنی خوشحال مباش، زیرا آنچه که موجبات غرور و غفلت تو فراهم ساخته است، چیزی نابود شدنی و ناپایدار است و به زودی زایل می گردد.

خداوند بزرگ میفرماید: **(حَتَّىٰ فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً)** - «تا بدانچه بدانان داده شده شاد شوند ناگهان آنانرا می گیریم (سوره انعام آیت ۴۴)».

همانابه وسیله صبر، بدانچه که نزد خداست دست می یابی چون خداوند صبر را تأکید نموده است. ولی صبر و فقر با هم جمع نمی شوند الا نزد مؤمن حقیقی که به وسیله فقر مورد آزمایش قرار می گیرد، و انجام اعمال نیکو بدو الهام می شود، و در این مرحله از آزمایش الهی در باب آنچه از جانب خداوند به او روی می آورد صابر است.

چنانچه مقام صبر و رضاء در میان نبود شما مرادربین خود نمی دیدید. من به مانند پرنده ای هستم که در دام افتاده باشد، شب چیزی بر من گشوده می شود و سحرگاه می بینم که پایم در دام است. اما به خاطر مصلحت شما بدان تن در داده ام، ولی شما این راز رانی دانید. اگر موافقت خدای تبارک و تعالی نبود چگونه شخص عاقل در این شهر دیار که در بین اهالی آن ریا و نفاق رواج دارد و ظلم و ستم و حرام و شبهه به حد وفور رسیده، و شکر نعمتهای خدا متروک و کفران جاگزین آن شده است، مسکن می گزیند و ماندگار می شود؟ اگر از کتمان سرائر معذور نبودم هر آینه آنچه در خانه هایتان واقع می شود بیان می کردم.

اما من بنیانی آماده دارم که باید بنای آنرا به پایان برسانم، و کودکانی دارم که باید تربیت آنانرا انجام دهم. آنچه که میان من و شما وجود دارد اگر گوشه ای از آن را بازگو کنم علت این بحث جدائی و فراق راکه از آن نام بردم خواهید دانست. ولی من در این حال به نیروی الطاف خداوند متوسل شدم تا صبری به من عطا کند که با تحمل این مشکلات در انجام وظیفه ام موفق گردم. خدایا از توباری می طلبم.

(یا غلام) توبرای بهره وری و زندگی جاودانی در دنیا آفریده نشدی، پس در وجودت از صفات ناپسند که موجب ناخشنودی خداست دوری گزین و آنرا دگرگون کن. توا تمام طاعات و بندگیها فقط به گفتن: **«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»** قناعت

کردی، ولی بدان این به تنهایی برای توستی ندارد. ناچیزهای دیگری بدان اضافه نکنی. ایمان عبارت است از گفتار و کردار، پس طبعاً سودی نخواهی یافت جز این که قول و فعل را هم آهنگ کنی و از زلات و گناهان دوری جوئی. وقتی تو اوامر حق عزوجل را مخالفت میکنی و نماز و روزه را ترک می کنی و از انجام اعمال خیر و انفاق و صدقه سرباز میزنی، صرف به زبان آوردن کلمه شهادتین برای تو چه سودی رادر برخواهد داشت؟ وقتی گفتی «لا اله الا الله» و این ادعا را نمودی، به تو گفته می شود گواه تو بر صدق این گفتار چیست؟ آیا گواهی داری؟ گواه این مقال کدام است؟

اجرای اوامر خدا و اجتناب از آنچه نهی فرموده و صبر و شکیبایی در مقابل آفات و تسلیم به قضا و قدر، این است گواه صادق و این است بینة ادعای توحید. و بدان هرگاه این اعمال را نیز انجام دادی از تو پذیرفته نمی شود جز به خلوص دل زیرا قول بدون عمل و عمل بدون اخلاص، وزن وارجی ندارد.

درویشان و فقراء را از مال خو سهمی عطاکن و آنان را بخود برابر بدان. هیچ گاه سائل و خواهنده را رد مکن درحالی که توانا بر عطا و بخشش هستی چه اندک و چه بسیار. در عطا و بخشش امر خدای عزوجل را اجراء کن که خداوند بخشنده است و بخشندگان را دوست می دارد. شکر و سپاس خدای رابه جای آور که ترا بر بخشش توانا کرده است. وای بر تو! شگفتا! وقتی می دانی که سائل و خواهنده هدیه خداوند است و تو بر اعطای چیزی به او قادری چرا دریغ می کنی و این هدیه رابه فرستنده اش برمیگردانی. هنگامی نزد من هستی گفتار مرا گوش می دهی و به گریه می افتی اما وقتی سائلی به نزدت آمد سخت دل می شوی و از هرگونه مساعدت دریغ می کنی، این دلیل است بر این که آن گریه و سماع تو برای خدا نبوده بلکه گریه ظاهری و ریائی بوده است. سماع نزد من اولاً باید سری و پنهانی، و بعد باقلب، جوارح و اعضاء انجام شود.

هرگاه می خواهی نزد من بیائی، بیا اما به شرط آن که از علم و عمل زبان و حسب و نسب خود غافل شوی، ثروت، زن و فرزند خود را فراموش کنی و در نزد من عریان از تمام علایق مادی و متوجه به خدای عزوجل باشی، تالطاف الهی جامه قرب را به فضل و عنایت خود بر تو بپوشاند.

هرگاه باین روش و این حالت به نزد من آمدی مانند پرنده ای خواهی بود که صبحگاه گرسنه از لانه بیرون آید و شبانگاه سیر به آشیان برگردد.

دل را به نور حق منور گردان و به گفتار دلنشین رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) گوش فراده که می فرماید: (اَتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ) - «از درون آگاهی (فراس) مؤمن بپرهیز، زیرا مؤمن به نور خدای بیند».

ای فاسق از مؤمن بترس و به حریم او وارد مشو، چه تو آلوده به نجاست گناه هستی و او آنچه از لوث و پلیدی در توست به نور خداوندی که در دل دارد می بیند.

شرک و دورویی تزامی داند و می بیند. اعمال زشتی را که زیر لباس ریا پنهان کرده ای می بیند. زشتی های نهانی ترا می بیند. می گویند کسی تارستگاری را ملاقات نکند رستگار نمی شود، اما توسرپا هوا و هوسی و دوستان و همنشینان اهل هوس اند. پرسنده ای پرسید این کوری تاکی ادامه دارد؟ گفته شد تا وقتی که به طبیب حاذقی متوسل شوی و بر آستانه اوتکیه زنی و دربارۀ او حسن ظن داشته باشی و تمام شک و ریب رانسبت به او زدلی بزدائی. بردرگاهش مقیم شوی. و بر تلخی داروهایش صبر کنی آنگاه کوری از دیدگانت بر طرف می شود. پس نسبت به طبیب دلها و درمانبخش اسقام، خداوند تبارک و تعالی، فروتن شو و تمام حوایج و نیازمندیهای خود را از او بطلب و خود را در پیشگاه او هیچ بدان و تمام اعمال خود را با پای افلاس و در ماندگی در مقابل او بریز.

در گرایش به خلق را ببند و در توجه به خدا را بر روی خود بگشای و به گناهان خود اعتراف کن و عذر آنها رابه پیشگاهش تقدیم کن، چه جز او هیچکس قادر نیست که نفع یا ضرری به کسی برساند. بخشنده و مانع غیر از او نیست. اگر به این درجه خلوص رسیدی نابینائی از دیدگانت بر طرف می شود و چشم ظاهر و باطنت روشن و بینا می گردد.

(یاغلام) مقام و منزلت در پوشش لباس خشن و خوراک ناگوار نیست، بلکه شأن و مقام انسانی در پرهیز قلب است. اول پوششی که فرد صادق بر خود می پوشد پوشش باطن است، سپس به ظاهر توجه میکند. اول باطن خود را به لباس زهد و تقوا می پوشاند، سپس قلبش را می آراید، آنگاه به ظاهر جوارح و اعضاء می رسد. و هرگاه تمام ظاهر و باطنش با ثوب تقوا آراسته شد دست رحمت و رأفت حق تعالی به سوی او می آید، لباس توفیق و تقوا را بر او می پوشاند. رنجایش به راحت و کینه هایش به رحمت و خوفش به امن و دوریش به قرب و فقرش به توانگری بدل می شود.

(یاغلام) بهره های روزی خویش را بادست زهد و ورع تناول کن نه بادست شهوت و نفس، زیرا آن که می خورد و می گرید مانند کسی نیست که می خورد و می خندد. از نصیب خود استفاده نما و دل را از یاد خدا غافل مکن تا از شر شهوت طعام درمان باشی. اگر از دست طبیب دوائی برای رفع بیماری خود بخوری بهتر است از اینکه خودسرانه مداوایی و ندانی اصل آن از کجاست، یعنی آنچه را که خدای متعال از روزی حلال نصیب تو کرده برایت بهتر است. نمی دانم چه چیز اینگونه دلهای شما را سخت کرده است، که رحمت و شفقت از میان شما رخت بر بسته است. احکام شرع و اجرای آن امانت الهی است، ولی شما آنرا مهجور کرده اید. و بدان خیانت نموده اید. وای بر شما اگر این امانت الهی را رعایت نکنید، به زدوی اشک ندامت از دیدگان جاری خواهید کرد و درهای رحم خداوندی بروی شما بسته خواهد شد. شما را در دیده مردم بی ارزش خواهد نمود. از خدای بترسید چه عذاب خداوندی دردناک و الیم است. در حال سرمستی و غرور در جاهای امن و مطمئن عذاب خدا شما را درمی یابد و گریبانگیرتان می شود. اوست خدای آسمانها و زمین، باشکر و سپاس حق نعمت های او را به جای آورید. او امر و نواهی او را از دل و جان پذیرا باشید. سختی هار ابا صبر و شکیبایی و آسایش و راحتی هار ابا شکر جوابگو باشید. تمام انبیاء و مرسلین و افراد نیکوکار در طول زمان، بدین شیوه رفتار کرده اند، بر نعمت شاکر و بر نعمت صابر بوده اند.

از سر سفره معاصی و گناه برخیزید و بر سفره طاعت و بندگی نشینید و حق هر نعمت را به جای آورید. هرگاه سختی به شما روی آورد صابر باشید و هرگاه رنجی به شما رسید از گناهان توبه کنید و نفس خود را سرزنش نمائید. چرا که خدای عزوجل نسبت به بندگان ستمکار نیست. به یاد مرگ و عواقب آن باشید. به یاد روز جزا و حسابرسی پروردگار باشید. بیدار شوید این خواب غفلت تابه کی؟ این جهل و نادانی دودلی و به باطل گرویدن تابه کی؟ هوای نفس و شهوات شیطانی را با متابعت شریعت و عبادت پروردگار زایل کنید. عادات و آداب ناروا را به قدرت قرآن و متابعت از آن درمان نمائید.

(یاغلام) کورکورانه و از روی نادانی با مردم آمیزش مکن. با بصیرت و بینایی و شناخت کامل و بیداری، با دیگران همنشینی و مصاحبت نما. هرگاه از آن خصلت نیکی دیدی آن را پیروی کن و هرگاه صفت بدی مشاهده کردی از آن بر حذر باش و آن را به صاحبش برگردان. از خواب غفلت بیدار شو و همواره به یاد حق سبحانه و تعالی باش.

بر تولازم است حضور در مساجد و کثرت نماز، رسول گرامی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) می فرماید: **(لَوْ نُزِّلَ مِنَ السَّمَاءِ نَارٌ لَمَاتَجَا مِنْهَا إِلَّا أَهْلُ الْمَسَاجِدِ)** «اگر آتشی از آسمان نازل شود فقط اهل مساجد از آن درمان می مانند» هرگاه در ادای نماز سستی کنید رابطه شما با خدای تعالی خواهد شد. در این خصوص رسول گرامی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) می فرماید: **(أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ إِذَا كَانَ سَاجِدًا)** «بنده در حال سجده از هر زمان دیگر به خدای نزدیکتر است».

وای بر تو! شگفتا! تا چند مسائل را تفسیر و تاویل می کنی و در انجام اموری سهل انگاری می نمایی، بدان که اینگونه افراد فریبکارند. ای کاش هرگاه بر مرکب عزیمت (۱) سوار شدیم و به اجتماع پیوستیم تمام اعمال خود را خالصانه برای خدا انجام می دادیم. نه اینکه هرگاه به تاویل رخصت متوسل شویم عزیمت و اهل آن بگریزند. حقیقتاً که این زمان، زمان سهل انگاری است نه زمان عزیمت و سخت کوشی، این دوران دوره دو روئی و گرفتارن اموال مردم بناحق است.

به درستی کسانی که نماز می خوانند و روزه می گیرند و حج خانه خدا را انجام می دهند و زکات شرعی پرداخت می کنند و به اعمال نیک می پردازند، تعدادشان زیاد گردیده است ولی اینان تمام اعمالی را که انجام می دهند برای رضای خلق

است نه رضای خالق. بیشتر مردم این زمان خلق بدون خالق اند، یعنی متوجه خلقتند و به خالق بی اعتناء. تمام شما دل مردگانید و تن زندگان، طالب دنیا و شهوت پرست.

زنده دلی، حیات واقعی است چراکه انسان را از قیود خلق می رهاند و به حق پیوسته میکند و معنویت او را تقویت می کند. چه ظاهر در این مقام اعتباری ندارد. حیات قلب و دل زنده بیدار، بالاجرای اوامر حق و خودداری از منهیات و صبر در بلاها و مقدرات حاصل می شود.

(یاغلام) در برابر خداتسلیم باش، سپس بایاد خدا به انجام اعمالت بپرداز. هرکاری نیازی به زیربنائی دارد تا ثابت و پایدار بماند، زیربنای تمام اعمال تسلیم به رضای خداست. شب و روز در تمام اوقات به این امر بپرداز. وای بر تو! درکار هایت اندیشه و تفکر کن چه تفکر از امور قلبی است و هرگاه در خود توفیق عمل نیکی را یافتی، خدای راسپاس گوی که ترا برانجام آن توفیق داده است. و هرگاه زلت و خطائی از خود مشاهده کردی از آن توبه کن و به خدا بازگرد. تابه وسیله همین تفکر یک ساعت از عبادت یک شب بهتر است.

ای امت محمد(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) خدای عزوجل را شکرگویند که او از شما به اعمال اندک راضی است. شما در دنیا آخرین امت هستید و در روز جزاء اولین امت، اگر یکی از شما درست کردار باشد، کسی با او برابری نمی تواند بکند. شما در حکم امرائید و سایر امم به منزله رعیت.

(یاغلام) اما تا وقتی که در خانه نفس و هوی مسکن گزیده ای به سلامت معنوی نخواهی رسید. تا زمانی که چشم به مال دیگران داری و قصد می کنی که به وسایل گوناگون و ریا و تزویر آنرا به سوی خود بکشی مطمئن باش به سلامت نمی رسی. تا زمانی که تمام میل و آرزویت دنیا و زخارف آن باشد و تا وقتی که به غیر خدا دل ببندی، روی سلامت روحی را نخواهی دید.

بارخدا یا سلامت و صحت روح را در جوار رحمت خود به ما عطا فرما.

«وَأَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً مَّ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» آمین.

بادرود فراوان

درویش وردگ

۱- رخصت و عزیمت از مباحث علم اصول است، باین توضیح: گاهی بابقای سبب حکمی شرعی، به علتی از مشکل به آسان یا بالعکس از آسان به مشکل تبدیل می شود. مثلاً: خوردن گوشت مردار که شرعاً حرام است در موقع اضطرار (حالت مخمسه) مباح می شود و این موضوع را رخصت گویند. و همچنین شکار حیوانات که مباح است برای کسی که در حال حرام باشد حرام می شود و این موضوع را عزیمت گویند.

من آن نیم که حلال از حرام نشناسم شراب با تو حلال است و آب بی تو حرام